

عنوان فارسی مقاله :

رابطه بین فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش

عنوان انگلیسی مقاله :

The Relationship between Organizational Culture and Knowledge  
Management



توجه !

این فایل تنها قسمتی از ترجمه میباشد.

برای تهیه مقاله ترجمه شده کامل با فرمت ورد (قابل ویرایش) همراه با نسخه انگلیسی مقاله، [اینجا](#) کلیک نمایید.

## Definitions of Organizational Culture

A variety of definitions of organizational culture have been proposed by different researchers over the years but no commonly accepted definition presently exists [14-16]. There is but some similarities among the different perspectives on organizational culture found in the literature. According to Pettigrew [17] the unitary notion of culture “lacks analytical bite” and he prefers to rather observe culture as “the source of... symbol, language, ideology, belief, ritual and myth”. Brinkman (1999) appears to build on this concept by putting promote a knowledge based definition of organizational culture as a substance that “evolves using the economic process” and is intertwined with company technology. Seel [18] favors an increasing vision of organizational culture and defines it as the developing outcome of ongoing discussions regarding values, meanings and proprieties between the members of that organization and with its condition. In terms of the a variety of definitions reviewed in this research, four common themes were identified and have been summarized in Figure 2.1 namely that culture is (1) a set of shared values, beliefs and assumptions (2) visible behavior patterns, symbols and language (3) based on technology (4) emergent, evolving with learning gained from crises. Some overlap does exist between the various author’s perspectives and definitions.

### تعاریف فرهنگ سازمانی

محققین مختلف در طول سالیان متمادی تعاریف گوناگونی از فرهنگ سازمانی پیشنهاد کرده اند، اما هیچ گونه تعریف عموماً پذیرفته شده ای در این رابطه وجود ندارد. اما بین رویکردهای مختلف پیرامون فرهنگ سازمانی یافت شده در پژوهش شباهتهایی وجود دارد. برطبق اظهارات پتیگرو، مفهوم توحیدگرایی فرهنگ، فاقد کشش تحلیلی بوده و وی ترجیح می دهد فرهنگ را به عنوان منبع نماد، زبان، ایدئولوژی، عقیده، تشریفات مذهبی و اسطوره قلمداد نماید. برینکمن با ترویج تعریف بر مبنای دانش از فرهنگ سازمانی به عنوان ماده ای که با استفاده از فرایند اقتصادی متحول شده و با تکنولوژی شرکت درهم پیچیده است، از این مفهوم بهره می گیرد. سیل، به نگرش و ایده فرهنگ سازمانی توجه کرده و آن را به شکل بازده در حال توسعه بحث های مستمر با توجه به ارزشها، معانی و دارایی ها بین اعضای آن سازمان و شرایطش تعریف می کند. از لحاظ تنوع تعاریف مرور شده در این پژوهش، چهار قضیه مشترک شناسایی و در شکل 1، 2 جمع بندی شده است: (1) مجموعه ارزشها، عقاید و فرضیات مشترک، (2) الگوهای رفتاری قابل مشاهده، نمادها و زبان (3) بر اساس تکنولوژی (4) ظاهر شده، در حال تحول با یادگیری بدست آمده از بحران ها. بین رویکردها و تعاریف مختلف مولف، همپوشانی وجود دارد.



توجه!

این فایل تنها قسمتی از ترجمه می باشد.

برای تهیه مقاله ترجمه شده کامل با فرمت ورد (قابل ویرایش) همراه با نسخه انگلیسی مقاله، [اینجا](#) کلیک نمایید.

همچنین برای مشاهده سایر مقالات این رشته [اینجا](#) کلیک نمایید.